

متن کامل سخنرانی آقای دکتر مصدق در دفاع از
«حاکمیت و حقوق ملت ایران»
در جلسات شورای امنیت سازمان ملل متحد
(بخش نهم)

محمد حسینی

ششم آبانماه ۱۳۸۹ برابر با ۲۸ اکتبر ۲۰۱۰ میلادی

بازنویسی عینا از روی مندرجات جلد اول «کتاب اسناد سخن می گویند!» پژوهش و برگردان دکتر احمدعلی

رجانی و مهین سروری (رجانی) صفحه های ۸۶۲-۸۴۸:

ادامه؛

متن کامل سخنرانی آقای دکتر مصدق در دفاع از
«حاکمیت و حقوق ملت ایران»
در جلسات شورای امنیت سازمان ملل متحد.

* * *

۵. ارائه اسناد و مدارک توسط دکتر مصدق در شورای امنیت مبنی بر دخالت شرکت سابق نفت در امور داخلی ایران و روی کار آمدن یک حکومت دیکتاتوری در ایران (۴)

دکتر مصدق با قرائت این نطق اسناد و مدارکی از شرکت سابق ارائه داده است که از لحاظ سیاسی و از این نظر که ثابت نموده که شرکت سابق واقعا در امور داخلی ایران مداخله می کرده است اهمیت فراوان دارند.

جناب آقای رئیس شورای امنیت و آقایان نمایندگان محترم.

در جلسات گذشته توضیحاتی در خصوص مسئله نفت ایران و عللی که باعث شده ما صنعت نفت خود را ملی کنیم عرض کرده و توضیحاتی دادم که امیدوارم تا حدی این قضیه را روشن کرده باشد. اکنون بار دیگر از فرصت استفاده کرده و به منظور تکمیل بیانات خود و ارائه پاره ای حقایق در باره مسئله نفت ایران به توضیحات خود ادامه می دهم.

همان طوری که در جلسات قبل گفتم اگر اصول اولیه و مقدماتی قانون در شورای امنیت سازمان ملل متحد که یک مرجع قانونی بین المللی است رعایت نشود و نمایندگان این شورا بر اساس منطق نسبت به قضایای بین المللی قضاوت نکنند تصور نمی کنم ما بتوانیم از مجمع و مرجع دیگری توقع چنین کاری را داشته باشیم.

قراردادهائی که بین دوکشور به امضا میرسد باید دارای دو اصل مهم باشد یکی صحت آن و دیگری وجود شرایط آزادی که این قرارداد در آن به امضا رسیده است .

پس از آنکه دولت انگلیس در مورد تحمیل قرار داد ۱۹۱۹ (که هیچ وقت به مرحله اجرا در نیامد) شکست خورد یک حکومت دیکتاتوری در ایران بوجود آمد و همان نقشی را که انتظار می رفت قرارداد ۱۹۱۹ بازی کند این حکومت ایفا نمود.

باید خاطر نشان سازم که تحت این حکومت دیکتاتوری آزادی اجتماعات، مطبوعات و انتخابات معنی و مفهومی نداشت.

من شخصا برای مدت ۱۵ سال تحت مراقبت پلیس بودم و در زندانی واقع در بیرجند در نزدیکی مرز افغانستان محبوس بودم. وضع ایران بصورتی بود که گفتم انتخابات مجلس با دخالت دولت انجام می گرفت و دولت در آن مداخله کامل داشت و مجلس شورای ملی نیز به نوبت خود دولت ها را با دادن رای روی کار می آورد. این خلاصه ای از وضع ایران تا سال ۱۹۲۰ بود.

یکی از وظایف دولت دیکتاتوری این بود که مدت قرار داد داری را تمدید کند. شرکت سابق نفت در همان وقت میدانست که امتیازنامه داری از حدود اعتبار ساقط بوده و وقت آن نیز منقضی شده است.

سپس موضوع تمدید مدت قرارداد از طرف دولت انگلیس به جامعه ملل ارجاع شد و این شورا به دولتین ایران و انگلیس توصیه کرد که سعی کنند راه حلی پیدا کنند. در هر صورت ما می دانیم که امضای قرار داد بین یک دولت قوی و یک دولت ضعیف شبیه قرارداد بین گرگ و میش خواهد بود.

در سال ۱۹۳۳ پارلمان ایران موافقت کرد که قرار داد داری تمدید شود. البته باید تذکر بدهم که هیچ کدام از نمایندگان مجلس وقت در آن زمان نماینده حقیقی مردم ایران نبودند. اکنون آقای صالح با قرائت اسناد و مدارک موثق و صحیح بیانات و توضیحات اینجانب را تایید و تصدیق خواهند کرد. آقای اللهیار صالح که در سمت راست آقای دکتر مصدق نشسته بودند و مشغول جابجا کردن اوراقی بودند رشته سخن را بدست گرفته در حالی که کاغذی با دست خود در هوا تکان میدادند، گفتند:

این تلگرافی است که در ۱۳۱۱/۷/۳۰ (به تاریخ فارسی) از طرف وزارت کشور به فرماندار قزوین مخابره شده است.

"شماره تلگراف ۱۴۲۸ قزوین حکومت قزوین:

کاندیداهای قزوین درانتخابات عمومی عبارتند از شاهرودی و کورس تشکیل و

وضع انجمن نظارت انتخابات قزوین طوری باشد که این نظر را در انتخابات
تامین کرده و موفقیت قطعی نصیب آن ها بشود.

امضا وزیر داخله"

آقای صالح سپس تلگراف دیگری ارائه داده گفت:

این تلگرافی است که از رضائیه به عنوان وزارت کشور مخابره شده است.

" وزارت پست تلگراف

شماره تلگراف ۲۰۳۴

نام اشخاصی را که دستور داده بودید به دست آمد و من حاجی میرزا علی قلی
شهیدی، پارسا کمال پاشا خان را به عنوان مناسب ترین خاندان های این محل
معرفی کرده ام.

ضمنا نظر فرمانده لشکر این جا درخصوص کمال پاشا خان کسب شد و ایشان
پس از چند روز تحقیقات و بررسی امروز جواب داد که وی هیچ گونه مخالفتی
با انتخاب کمال پاشا خان ندارد. بنابراین فوراً این موضوع را تلگرافی به شما خبر
دادم.

امضاء، ساعد"

آقای صالح سپس به قرائت تلگراف سوم پرداخت و گفت :

این تلگرافی است که در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۱۲ از قزوین به وزارت کشور مخابره شده
است.

"شماره ترتیب ۱۲۹

عطف به تلگراف شماره ۲۰۳۴ آقای کمال پاشا خان از طرف " دفتر مخصوص شاهنشاهی"
به کاندیداهای انتخابات امسال آن حوزه معرفی شده اند"

" تلگراف شماره ۱۳۳

چون حمدالله خان بیات در دور آینده مجلس وکالت خواهد داشت لذا انتخاب برادر او از
ماکو دیگر مناسبتی نخواهد داشت.

از این رو پس از تشریح وضع در نظر گرفته شد راجع به انتخاب پارسا تصمیمی بگیریم.
در این خصوص شما نظر و موافقت فرمانده نظامی محل را کسب و یا اطلاع دهید تا در این
زمینه دستورات لازم صادر شود"

آقای صالح سپس یک تلگراف رمز دیگر که از قزوین به وزارت کشور مخابره شده ارائه داد
که متن آن از این قرار است:

" شاهرودی یک عده مخالف در اینجا دارد که ممکن است اشکالاتی تولید بکنند ولی انتخاب کورس با اشکالات مواجه نخواهد شد چون در اینجا نه کسی او را دوست دارد و نه کسی از وی بدش می آید.

من فقط خواستم قبلا به شما اطلاع داده باشم تا شما برای جلوگیری از سروصدای مخالفان که ممکن است برای شاهرودی تولید اشکال کنند دستورات لازم صادر کنید.

ضمنا امیدوارم با کمک خداوند دستورات دولت با زور و قوه قهریه اجرا نشود.

۱۲ آبان، شماره ۳۷۸۴

منتظم"

" شماره ۴۸۵

با اطلاعاتی که در خصوص اجرای تصمیمات دولت دارید تصور نمی کنم که صدور دستورات جدید لازم باشد.

وظیفه دولت است که از هر گونه اقدام خلاف دستورات دولت جلوگیری نماید. " تلگراف دیگری از فرماندار قزوین به وزارت کشور مخابره شده که متن آن از این قرار است:

وزارت کشور. اسم اول کورس را به ما تلگرافید.

۲ آبان شماره ۳۸۱۴. منتظم فرماندار قزوین.

وزیر کشور در حاشیه تلگراف مزبور نوشته است: "دفتر اداره مرکزی فوراً جواب دهید"

اینک متن تلگراف دیگری که فرماندار قزوین به وزارت کشور مخابره کرده است: وزارت کشور. یک عده از اشخاص در این جا خلاف حقیقت انتشار داده اند که مردم قزوین آقای کورس را نمی شناسند.

البته با نظر خاصی که مردم نسبت به من دارند و از اقدامات من استقبال میکنند این گونه شایعات و تبلیغات دروغین تاثیری نخواهد داشت.

مقدمات انتخابات در کلیه نواحی اینجا با نظم و ترتیب مخصوصی پیشرفت می کند تصور می کنم که بد نباشد که دستور دهید آقای کورس برای مدت چند روز به منظور آشنایی با شخصیت های برجسته اینجا به قزوین مسافرت کنند.

در حاشیه این تلگراف وزیر داخله نوشته است:

آقای میرزا سعید خان

به آقای کورس بگوئید در صورت امکان شخصا به قزوین مسافرت کنند.
وزارت کشور در پاسخ تلگراف فرماندار قزوین این تلگراف را مخابره کرده است:

شماره تلگراف ۴۱۵۸

فرمانداری قزوین. موضوع مسافرت آقای کورس به قزوین با ایشان در میان گذاشته شد. وی دو هفته قبل به قزوین مسافرت کرده و با عده از اشخاص برجسته آن جا تماس گرفته است. انتظار می رود که روز جمعه وی مجددا به قزوین سفر کند.

آقای صالح پس از قرائت این تلگراف ها که عموما جزو مدارک و اسناد تاریخی و مهم به شمار می رفت قدری استراحت کرده و سپس مجددا تلگراف جدیدی را ارائه داد که متن آن از این قرار بود:

" تلگراف شماره ۱۴۸۲

فرستنده: حسین سمیعی از تبریز

گیرنده: وزارت کشور

طبق گزارش واصله مجید الدوله و امیر امجد به طور محرمانه علیه کاندید دولت فعالیت کرده و سعی میکنند انتخابات را در میان دو آب به نفع کاندید خود تمام کنند.

من فورا به فرماندار میاندوآب تلگرافی اطلاع دادم که به آن ها اخطار کنند که در روزهای انتخابات به مراغه بروند و در غیر این صورت تبعید خواهند شد.

"متن تلگراف فرماندار رشت به وزارت کشور

وزارت کشور. همان طوری که در ظرف چند روز اخیر معلوم شده اعضای انجمن نظارت انتخابات و ماموران دیگر برای انتخاب آقای چایچی در رشت فعالیت زیاد به خرج نمی دهند.

لازم است که آقای چایچی قبل از شروع انتخابات برای مدت چند روزی به این جا آمده تا محبوبیتی برای خود کسب و در کار انتخاب ایشان تسهیلاتی به وجود آید. این تلگراف از طرف " دیوان بیگی " حاکم رشت امضا شده است. وزیر کشور زیر این تلگراف نوشته است " طبق تقاضای فرماندار رشت اقدام شود."

آقای اللهیار صالح سپس تلگراف دیگری را که به رمز مخابره شده بود ارائه داده گفت که از طرف وزارت کشور به فرماندار دامغان مخابره گردیده است:

"فرمانداری دامغان

مراتبی که گزارش داده اید صحیح نیست. هیچ کس حق ندارد در برابر دستور دولت ایستادگی و یا اعمال نفوذ کند.

فرمانداری دامغان باید فقط در اجرای دستورهای دولت مرکزی استعداد و زرنگی به خرج دهد و آن را به تمام معنی اجرا کند.

ضمناً باید متذکر شویم که تا کنون مخالفتی نسبت به آقای یاسایی در آنجا به عمل نیامده و او علاقه زیادی نشان میدهد که دستور دولت مرکز هر چه زودتر اجرا شود.

بنابراین بدون اندک تردید و ضعف شما باید دستور دولت را اجرا کنید."

پس از قرائت این اسناد و مدارک آقای اللهیار صالح در جای خود قرار گرفته و آقای دکتر

مصدق نخست وزیر ایران به زبان فرانسه شروع به صحبت کردند

من تمام این اسناد و مدارک را به شورای امنیت تقدیم میکنم تا شورا نظر بدهد که آیا

اظهارات و دعاوی من درست بوده یا نه؟

همان طوری که به خاطر نمایندگان شورا رسید نمایندگان مجلسی که قرار داد امتیاز نفتی

۱۹۰۱ را تمدید کرد از افرادی تشکیل شده بودند که اصولاً نمایندگان ملت به شمار نمی رفتند

و دولت آن ها را به زور و با فشار به مجلس می آورده. وزیرانی که این قرارداد را امضا کردند

آزاد نبودند و اگر آنها از امضای آن استنکاف می کردند زندانی شده و یا به قتل میرسیدند و یا

آن ها را تبعید می نمودند.

البته امتیازی که تحت این شرایط به انگلیس ها داده شده است اعتباری ندارد. من اکنون به

شما نشان خواهم داد که شرکت سابق چگونه در امور داخلی ایران دخالت می کرد.

در اینجا آقای دکتر مصدق نشسته و آقای صالح رشته سخن را در دست گرفتند.

آقای صالح در حالی که چند ورق در دست داشتند یکی از آنها را به نمایندگان ارائه داده

و گفت:

این نامه ای است که گس یکی از مدیران عالی رتبه شرکت سابق در لندن به نورت گرفت

یکی دیگر از اولیای شرکت سابق در تهران ارسال داشته است.

این نامه راجع به مذاکرات مورخه ۲۸ آوریل ۱۹۵۱ بین شاهرخ مدیر کل سابق اداره کل

انتشارات و تبلیغات با گس و چیزهولم در لندن بوده است. در این جا دکتر مصدق به زبان فرانسه

تاکید کردند که این مدارک را پس از ملی شدن نفت ایران از اداره اطلاعات شرکت

سابق بدست آوردیم.

آقای اللهیار صالح سپس گفت که در نامه مزبور گس راجع به مذاکرات با شاهرخ (بهرام)

چنین مینویسد :

"شاهرخ در جلسه مذاکرات را به زبان انگلیسی روان و سلیس شروع کرد. وی در

وهله اول تاکید کرد که مذاکرات مزبور باید بسیار محرمانه باشد و در دسترس

مطبوعات قرار نگیرد."

وی در مدت مذاکرات طولانی نکات زیر را خاطر نشان کرده است:

" ما باید حقیقت را در نظر گرفته و تاکید کنیم که قرارداد الحاقی در ایران محبوبیتی ندارد. شرکت نفت در سالیان دراز به علت سوء رفتار در ایران دشمنان زیادی برای خود ایجاد کرده است. هیچ ایرانی در هر مقامی که باشد جرأت و جسارت آن را ندارد که از شرکت نفت و یا قرارداد الحاقی علنا و یا در مجلس دفاع کند چون او را متهم به نوکری انگلیسها می کنند. ایران در وضع خطرناکی به سر می برد و شاهرخ تاکید کرد که مطلب مهم این نیست که در آمد زیاد تری از شرکت گرفته بشود بلکه باید سعی کرد که پول زیادتری از شرکت گرفت و آنرا به طور عاقلانه ای مصرف کرد. شاهرخ نسبت به ساعد و اقدامات او در مورد قرارداد الحاقی شدیداً انتقاد کرده و گفت که ساعد و گلشایبان این قرار داد را با وضع تأسف آوری به مجلس پانزدهم آوردند و نتیجه این شد که بردن مجدد آن به مجلس دیگر فایده ای نخواهد داشت مگر این که مقدمات این کار با دقت کامل فراهم و افکار عمومی را نسبت به قبول آن مستعد کرد.

شاهرخ معتقد بود که رویه شرکت نفت دایر بر عدم تبلیغ نسبت به این قرارداد کار عاقلانه و صحیحی است و خاطر نشان ساخت که این وظیفه دولت بود و ساعد و گلشایبان در این زمینه کاری نکردند و اکنون کابینه جدید ایران است که منطق و عقل را در نظر گرفته و این قرارداد را به مرحله اجرا در آورد ولی شرکت نفت باید برای روشن ساختن حقایق با دولت ایران کمک کند.

شاهرخ تأکید کرد که دستگاه تبلیغات دولت ایران در اختیار اوست و می تواند این کار را انجام دهد و گفت که سرویس اطلاعات سفارت انگلیس نیز میتواند در این زمینه کمک های مفیدی بکند.

این مبارزه و تبلیغات نباید با عجله انجام گیرد ولی باید منتظر فرصت شد و در موقع لزوم افکار عمومی را نسبت به قرارداد الحاقی مستعد و حاضر کرد. کمیسیونی از بانک بین المللی به ایران می آید و از قرار معلوم در نظر دارد ۱۰ میلیون دلار وام به ایران بدهد. این وام بشرطی به ایران داده خواهد شد که با نظر سفیر آمریکا به مصارف مفید برسد.

دولت ایران به هیچ وجه با این عمل موافقت نخواهد کرد چون آنرا یک نوع دخالت در حق حاکمیت خود تلقی میکند. بنا بر این اگر اقدامات و تدارکات لازم در مورد قرار داد مزبور به عمل آید فرصت مناسب برای تقدیم آن به مجلس به دست خواهد آمد و این موضوع نه تنها برای این است که دولت ایران به پول

احتیاج دارد بلکه برای این است که در معامله با آمریکا موقعیت خود را تثبیت کند.

وقتی که من در این جلسه صحبت کردم در ابتدا اشاره به موضوع تبلیغات کرده و به شاهرخ گفتم که از نظریات شما مبنی بر این که وظیفه دولت ایران است که مزایای قرارداد الحاقی را به مردم ایران گوشزد کند استقبال میشود چون ما دائما تصور میکردیم که این عمل صرفا به عهده دولت ایران است نه شرکت نفت .

نماینده ما در تهران با تمام جزئیات این قرار داد آشناست و می تواند در صورت لزوم کلیه اطلاعات را در این خصوص در اختیار دولت ایران بگذارد و بنا بر این لازم است که دولت ایران از این منبع استفاده کند. در خصوص سؤال شاهرخ دایر بر این که آیا ممکن است در مواد قرار داد تجدید نظری بشود جدا تاکید کردم که در این مواد هیچ گونه تعدیلی نمی توان کرد.

من ضمنا به شاهرخ تأکید کردم هرطوری که ملت ایران ما را بشناسد باید نکته ای را فراموش نکند که ما معامله گر و چانه بزن نیستیم من ضمنا شرح دادم که در مدت اقامت خود در تهران پیشنهادی به دولت ایران داده ام و نیز تا کنون از آن عدول نکرده ام و لذا اهمیت این موضوع بیش از آن است که ما در اطراف آن مانند تجار قالی صحبت کرده و معامله بنماییم.

من گفتم که قرارداد اکنون امضا شده و لذا به هیچ وسیله ای ممکن نیست در آن تغییر وارد کرد. این همان اظهاراتی است که مدیر کل شرکت سر ویلیام فریزر در مدت مسافرت اخیر ساعد نخست وزیر ایران در ملاقاتی که من نیز حضور داشتم به وی گفته است. من ضمنا علاوه کردم که اگر قرارداد الحاقی از طرف مجلس رد شد و اگر دولت ایران تقاضای تجدید مذاکرات بکند ما فقط می توانیم روی پایه اساس مواد همین قرارداد مذاکره کنیم و نیز برای ما ممکن نیست در اطراف قراردادی که مستلزم پرداخت پول بیشتری به ایران باشد مذاکره نماییم.

شاهرخ سؤال کرد آیا احتمال میرود که دولت انگلیس در صورتی که این قرارداد از طرف مجلس ایران رد شود به شرکت نفت فشار وارد کند که مزایای بیشتری برای ایران قائل شود؟

من تصریح کردم که دولت انگلیس از بدو شروع مذاکرات در این مسئله دخالت نداشته چون این مسئله صرفا مربوط به شرکت است و لذا به هیچ وجه ممکن نیست دولت انگلیس به شرکت فشار وارد کند که پول بیشتری به ایران بپردازد."

آقای الهیار صالح پس از قرائت این نامه یک لحظه استراحت کرده و سپس تلگرافی را به

نماینده گان ارائه داده گفت: این تلگراف از طرف فیلیپ استاکیل، رئیس اداره اطلاعات شرکت سابق در تهران به آقای چیزهارلم مخابره شده است:

در ۲۷ و ۲۸ ژوئن پس از اینکه کلیه اتاقهای اداره اطلاعات شرکت سابق در تهران بسته شده بود دکتر بقائی و عده ای از اعضای جبهه ملی وارد این اتاقها شده و عکس های فراوانی از اسناد و مدارک موجود برداشتند.

چند عکس برای این که نشان داده شود که شرکت نفت در امور داخلی ایران دخالت می کند در مجله تهران مصور و روزنامه شاهد چاپ شده ولی البته این عمل در کسانیکه طرفدار شرکت هستند تاثیری نخواهد کرد.

بر اثر مراقبت شدیدی که جبهه ملی در چند هفته اخیر از اداره اطلاعات می کرده برای ما انتقال و یا از بین بردن دسته جمعی مدارک و اسناد موجوده ممکن نبوده چون اگر ما به چنین کاری دست می زدیم گزارش آن به جبهه ملی می رسید و باعث می شد که این اداره در چنین موقعی که وجود آن لازم است مورد هجوم و تجاوز قرار گرفته و بکلی تعطیل شود و نکته مهمتر این است که با این عمل ما تقصیر خود را ثابت کرده و مدرکی به دست جبهه ملی می دادیم.

در هر حال قسمتی از پرونده های بسیار محرمانه به محل امن تری انتقال داده شد و قسمت دیگری از جمله پرونده ای که شخصا از طرف کیتینگ در موقع عزیمت وی به لندن به او سپرده شده بود از بین برده شده است.

آقای اللهیار صالح به اظهارات خود ادامه داده و گفت: این یک نامه محرمانه است که راجع به ملاقات ۷ اوت ۱۹۵۰ نمایندگان میسیون اقتصادی با آقایان دریک و کیتینگ می باشد. در این ملاقات مستر پارکر عضو هیئت اقتصادی آمریکا افشا کرده که مستر ا.کالاگروابسته مخصوص نفت آمریکا در قاهره چند سند و مدرک راجع به عملیات بعضی از کمپانیهای خارجی در ونزوئلا و خاور میانه به وی تسلیم نموده.

به علاوه وی دو تلگراف محرمانه که سفارت آمریکا در عراق راجع به حق الامتیاز دولت عراق مخابره کرده بود ارائه داده است. سفارت آمریکا در عراق پیشنهاد کرده است که این تلگرافها به اداره امتیازات وزارت دارائی ایران تسلیم گردد.

مستر دریک در این جلسه به مستر پارکر توصیه کرده که تسلیم این تلگرافها به اداره امتیازات وزارت دارائی ایران ممکن است نتیجه مطلوبی نداشته باشد و لذا مستر پارکر موافقت کرده بود که از این کار خودداری کنند.

در موقع اقامت پارکر در قاهره مستر لاکر وابسته مخصوص نفت آمریکا تعدادی اسناد و مدارک راجع به عملیات کمپانیهای مختلف نفت در ونزوئلا و خاورمیانه به وی تسلیم کرده

است. پارکر حس میکرد که ممکن است ارائه آنها به دولت ایران مفید باشد ولی البته می خواست که ما قبلا موافقت و یا نظر خود را نسبت بدان ها اعلام کنیم.

این مدارک مربوط به نقصان عایدات بعضی از کمپانی های نفت و دولت ونزوئلا از نفت ونزوئلا بود.

این مدارک از طرف سازمان پرایس و واترهاوس در شهر کاراکاس تهیه شده بود و جوزف پوک عضو " بانک ملی چیس " رساله ای از آن تهیه نموده است که تمام آنها مورد مطالعه قرار گرفته است.

آقای صالح سپس اظهار داشتند که آن اسناد و مدارکی که راجع به عملیات نفت در خاورمیانه است از طرف آتاشه مخصوص نفت در قاهره تهیه و تنظیم شده است و شرکت های نفت عربستان و آمریکا (آرامکو) و کویت جزئیات این عملیات را در اختیار وی گذارده بودند.

مستر پارکر در جلسه مذکور متن دو فقره تلگرافی را که سفارت آمریکا در لندن به سفارت آمریکا در تهران مخابره کرده ارائه داده است.

این دو تلگراف راجع به مذاکرات بین دولت عراق و شرکت نفت عراق می باشد.

در تلگراف اول که در تاریخ دوم اوت مخابره گردیده تصریح شده است که دولت عراق اصرار دارد حق الامتیاز هر تن نفت که فعلا ۱۷/۲ شیلینگ است در سال ۱۹۵۴ به ۱۸/۷ شیلینگ بالا برده شود و ضمنا قسمتی از پرداخت های حق الامتیاز به طلا انجام گیرد. از قرار معلوم شرکت نفت عراق با تجدید نظر در این خصوص و پرداخت ۱۷/۲ شیلینگ حق الامتیاز در هر تن نفت موافق است.

ضمنا در خصوص پرداخت حق الامتیاز به صورت طلا اختلافی بین دولت عراق و شرکت نفت عراق و همچنین وزارت امور خارجه انگلیس در جریان است و وزارت خارجه و شرکت نفت عراق حتی حاضرند در این زمینه به حکمیت بروند چون مدعی هستند که باید طلا به نرخ آزاد بغداد پرداخته شود نه لندن.

تلگراف دوم دوز بعد یعنی در چهارم اوت مخابره شده و افشا میکند که بین دولت عراق و شرکت نفت عراق توافق نظر در خصوص پرداخت ۱۸ شیلینگ در مقابل هر تن نفتی که از عراق استخراج می شود حاصل شده است. عراقی ها حاضر شده اند که طلا را به نرخ بغداد قبول کنند نه لندن.

ظاهرا چنین بنظر میرسد که این مذاکرات فقط مربوط به قرارداد شرکت نفت عراق است و با قرارداد های دولت عراق با شرکت مزبور در خصوص نفت موصل و بصره منافاتی ندارد.

مستر پارکر در این ملاقات خاطر نشان کرد که این عمل دولت عراق تاثیر زیادی در تصویب قرارداد الحاقی از طرف ایران خواهد داشت، ولی مادامی که جزئیات قرار داد عراق با شرکت نفت

عراق رسماً معلوم نشده نمی توان در خصوص تصمیمات آینده ایران هیچ گونه قضاوتی کرد.
نفت ایران در آینده نزدیکی با دو مشکل بزرگ و خطرناک مواجه خواهد شد.
این مشکلات عبارتند از:

اول: لوله های نفتی که نفت عربستان سعودی و عراق را به میزان زیادی به کرانه های شرقی مدیترانه می رساند و در دسترس مشتریان میگذارد.

دوم: چون نفت ایران بصورت فرآورده و تصفیه شده به خارج حمل میگردد و نگاهداری پالایشگاه آبادان که بزرگترین سرمایه شرکت نفت انگلیس و ایران است از نقطه نظر صرفه جوئی کار مشکلی خواهد بود.

پارکر تاکید کرد که شرکت نفت انگلیس و ایران برای جبران این موضوع در نظر گرفته که در کلیه بازار های فروش خود پالایشگاه های کوچکتر تاسیس کند تا روزی که بکلی به پالایشگاه آبادان احتیاج نداشته باشد.

آقای دکتر مصدق سپس رشته سخن را در دست گرفته و گفتند نظر من این نیست که نمایندگان شورا را خسته کنم. من این اسناد و مدارک را در اختیار رئیس شورا می گذارم و استدعا دارم که امر فرمایید که این مدارک منتشر گردد. ما ثابت کردیم که شرکت سابق در کلیه شئون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران مداخله کرده است.

امتیاز شرکت سابق در ایران به صورت عملی بوده نه به صورت قانونی و حقوقی. ما همیشه به دولت انگلیس به عنوان دوست احترام کرده ایم و مایل نیستیم که با شرکت قطع رابطه کنیم. ما آخرین پیشنهاد خود را داده ایم. آقای صالح اکنون آنرا برای شما خواهند خواند.

آقای اللهیار صالح گفتند میل دارم توضیح دهم که این نامه بصورت یک نامه سرگشاده بوده که در آن تاریخ و امضایی دیده نمیشود و حتی عنوان مخاطب و فرستنده نیز در آن ذکر نشده است.

این نامه به نظر اعلیحضرت شاه و آقای وزیر دربار ایران رسیده و تقاضا شده بود که نامه مزبور به سفیر انگلیس در تهران تسلیم گردد.

متن نامه مذکور از این قرار است:

با توجه به این حقیقت که دولت ایران سعی میکند که حل اختلافات باید از طریق قانون انجام گیرد و ملی شدن صنعت نفت در ایران ضروری به ملت و دولت ایران نرساند و مسائلی که از ملی شدن نفت ناشی شده از طریق عدالت و مسالمت فوراً حل و فصل شود نظر نهایی خود را ذیلاً به خاطر آن دولت میرساند.

مسائل اساسی که باید مورد بحث قرار گیرد عبارتند از:

۱- رسیدگی و تحقیق در باره دعاوی شرکت سابق و همچنین دعاوی دولت ایران.

۲- فروش نفت به دولت انگلیس.

۳- انعقاد قرارداد با کارشناسان خارجی.

۴- حمل نفت ایران

اول: رسیدگی و تحقیق در باره دعاوی شرکت سابق و همچنین دعاوی دولت ایران

دولت ایران حاضر است به دعاوی حقه شرکت سابق نفت با توجه به دعاوی حقه ایران بدین طرز رسیدگی کند.

الف. روی پایه و اساس سهام شرکت سابق (بهای این سهام قبل از ملی شدن نفت ایران ماخذ محاسبه قرار داده خواهد شد).

ب. طبق قوانین ملی شدن صنایع کشور های مختلف جهان که به نظر شرکت سابق شرایط آن مطلوب و عادلانه باشد.

ج. هر طریق دیگری که مورد موافقت طرفین باشد.

دوم: فروش نفت به دولت انگلیس.

دولت ایران در آینده حاضر است سالیانه همان میزان و مقدار نفتی که انگلستان، سابق از ایران تهیه می کرد طبق یک قرارداد طویل المدتی و به قیمت بین المللی "فوب در بنادر ایران" به آن دولت بفروشد. دولت انگلیس میتواند نصف بهای نفت خریداری شده را به موجب ماده اول همین نامه در ازای خسارت برای خود حفظ کند.

سوم: انعقاد قرارداد با کارشناسان خارجی.

شرکت ملی نفت ایران کلیه کارشناسان خارجی مورد احتیاج خود را با همان شرایط و مزایایی که سابقا از شرکت سابق داشتند در ایران نگاه داشته و با هر یک قرارداد جداگانه امضا خواهد کرد و برای اینکه در سازمان شرکت سابق تغییری داده نشود و به فعالیت صنعت بزرگ نفت لطمه وارد نیاید شرکت ملی نفت ایران کلیه سازمان های اداری و مقررات فنی (غیر از آنهایی که با قانون ملی شدن نفت ایران مغایرت دارد) حفظ کرده و ادارات و شعب فنی را به همان طرز سابق اداره کرده و آن ها را در اختیار کارشناسان اعم از ایرانی و یا خارجی خواهد گذارد و به روسای این شعب در فعالیت های معمولی و روزانه خود اختیار تام خواهد داد تا آن ها برای پیشرفت کار خود آزادی عمل کامل داشته باشند.

علاوه بر این بهره برداری و سازمان های تصفیه به توسط یک نفر کارشناس خارجی که ملیت آن بعد از طرف دولت ایران تعیین گردد اداره شود.

این مدیر کل فنی که مستخدم دولت ایران بوده و به عنوان رابط بین هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران و کارشناسان خارجی انجام وظیفه خواهد نمود وظایف خود را طبق دستور و اوامر هیات مدیره شرکت ملی نفت ایران انجام داده و از هر لحاظ تابع این هیئت خواهد بود.

۴. حمل نفت

شرکت ملی نفت ایران نفت ایران را به یک یا چند نماینده ای که از طرف مشتریان سابق نفت ایران تعیین شده باشند تحویل خواهد داد.

دولت ایران همان طوری که کرارا گفته شده حاضر است مسائل مذکور را از طریق انجام گفتگو حل کند و اگر مایل هستند که مذاکرات بر پایه و اساس این نامه شروع شود نظر خود را هر چه زود تر اعلام کنید تا یک هفته پس از دریافت این نامه مذاکرات شروع شود.

آقای وزیر دربار ایران نیز در این زمینه اقداماتی کرده و آن را تسلیم سفارت انگلیس کردند. پاسخ سفارت انگلیس به نامه مذکور به عبارت زیر است:

آقای علاء عزیزم

در شرفیابی خود به حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در ۱۷ سپتامبر شاهنشاه به من فرمودند که نخست وزیر ایران علاقه مند است که مذاکرات در خصوص نفت ایران تجدید شود.

با وجودی که پیشنهادهای نخست وزیر ایران که به توسط اعلیحضرت همایونی برای اینجانب ارسال گردیده در خصوص پایه و اساس مناسب مذاکرات امید های زیادی را نوید نمی دهد مع ذلک اگر دولت این پیشنهاد ها را کتبا به اینجانب بدهد من آنرا برای دولت متبوع خود خواهم فرستاد.

جنابعالی عصر روز چهار شنبه تاریخ ۱۹ نامه ای به اینجانب دادید که باید خاطر نشان سازم که روی کاغذ رسمی نوشته نشده و فاقد تاریخ و امضا است.

در نامه مزبور هیچ گونه علانمی که حاکی از تغییر رویه سابق دولت ایران باشد مشاهده نمیشود و بر عکس دولت ایران در روش سابق خود همچنان اصرار ورزیده و پافشاری نموده است و به علاوه در نامه مزبور به نظریات مستر هریمن کوچکترین اشاره و رعایتی نشده است.

باید همچنین متذکر شوم که در این نامه هیچ کدام از نظریات دولت انگلیس رعایت نگردیده و در واقع به نکات مهم و اصلی این نامه از طرف مستر هریمن به دکتتر مصدق پاسخ داده شده است و دولت انگلیس نیز با آن پاسخ کاملا موافق میباشد.

بنا براین با کمال تاسف باید به شما اطلاع دهم که دولت پادشاهی انگلیس نمی تواند این نامه را رسمی تلقی کرده و نیز نمی تواند مفاد آنرا پایه و اساس هرگونه تجدید مذاکراتی بداند.

با تقدیم احترامات اف. ام. شپرد

آقای اللهیاری صالح پس از قرائت این نامه در جای خود نشستند و آقای دکتتر مصدق رشته سخن را در دست گرفتند.

نخست وزیر ایران به فارسی صحبت میکردند و بیانات ایشان به وسیله دستگاه های مخصوص به زبان های فرانسه و انگلیسی ترجمه میشد.

آقای دکتر مصدق گفتند تا اینجا ثابت شد که رفتار نامطلوب شرکت سابق نفت و مشکلات مالی ایران سبب ملی شدن نفت ایران گردیده است.

دولت انگلیس از طریق شرکت سابق نفت اصل ملی شدن نفت ایران را به رسمیت شناخته است. آن دولت موافقت کرده که عملیات اکتشافی و استخراج و بهره برداری نفت ایران به دست دولت ایران انجام گیرد. بنابراین هیچ دولتی و یا شرکتی مجاز نیست که در این امر دخالت کند. دولت ایران حاضر است نفت خود را به کلیه مشتریان سه سال اخیر شرکت سابق بفروشد. ایران ضمناً حاضر است در مقابل خساراتی که به شرکت سابق وارد آمده غرامت بپردازد. گلادوین جب نماینده دولت انگلیس در بیانات دیروز خود به موضوع مصادره اموال خارجی اشاره کرده و در خصوص شرایط آن توضیحاتی داد.

جای خوشوقتی است که ایشان به حق حاکمیت دولتی در ملی کردن موسسات خارجی اعتقاد و ایمان دارند و نسبت بدان اظهارات مخالفتی نکردند. در واقع آقای جب بطور ضمنی تایید کردند که ملی کردن تاسیسات خارجی از طریق قوانین بین المللی انجام می گیرد. نماینده انگلیس ادعا میکند که ایران بعضی از قراردادهای منعقد بین دو دولت ایران و انگلستان را نقض کرده و متأسفانه در خصوص این که کدام قرارداد نقض شده و شرایط و علل آن چیست اظهار نمی کند. راجع به قوانین بین المللی باید خاطر نشان کنم که تصرف اموال خارجی باید فقط به یک شرط صورت گیرد و آن پرداخت خسارت است. ما علناً گفته ایم که حاضریم خسارت بپردازیم و قانونگزاری ایران نیز این ماده را در قانون ملی شدن گنجانده است. مانیز برای اینکه این ماده را به مرحله اجرا در آوریم کرارا از نمایندگان شرکت سابق درخواست کرده ایم که برای رسیدگی به حساب ها با ما وارد مذاکره شوند.

ما ضمناً تصریح کرده ایم که حاضریم به دعاوی حقه شرکت سابق ترتیب اثر بدهیم به شرط این که دعاوی حقه ایران نیز رعایت شود. در موقع مذاکرات نیز ما برای حل این موضوع پیشنهادهای داده ایم ولی متأسفانه تا کنون هیچ گونه پاسخی به ما نداده اند.

حسن نیت ما از پیشنهادی که در ۱۹ سپتامبر به نماینده انگلیس در تهران داده ایم آشکار است. ما با دولت انگلیس اختلافی نداریم و حتی اگر قرارداد نفت یک قرارداد معتبر و عادلانه بود و بین دولت ایران و شرکت سابق امضا شده بود، باز دولت انگلیس در آن دخالتی ندارد.

بین ایران و انگلستان در این خصوص قراردادی موجود نبود که دولت انگلیس به موجب آن بتواند ما را به شورای امنیت شکایت کند.

ما از شورای امنیت تقاضا می کنیم که بیهوده خود را درگیر و گرفتار این مسئله نسازد و در امور مربوط به آن دخالت نکند. ما ضمناً تقاضا داریم که به ملت ایران اجازه داده شود که خود

سرنوشت خود را تعیین کند. ما اکنون ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون ریال کسر بودجه داریم. این کسر بودجه باید از محل در آمد نفت جنوب ایران جبران شود و اگر شورای امنیت به ما توصیه کند که یک قراردادی امضا کنیم مسلماً این یک قرارداد طویل‌المدت نبوده و دست‌های ما را خواهد بست. ما باید در امضای قرارداد و استخدام کارشناسان خارجی آزاد باشیم تا مجدداً جریان نفت ایران به بازارهای سابق ادامه پیدا کرده و کمبود بودجه ما را تامین و جبران کند.

من در اینجا بیانات خود را خاتمه میدهم و از این که اینجانب در اینجا پذیرفته شده و به دفاع ما از حق ایران توجه شده است از شورای امنیت تشکر می‌کنم. من دفاع خود را طوری مطرح کردم که ثابت شود که شکایت دولت انگلیس علیه ما وارد نیست و از نقطه نظر قوانین بین‌المللی نمی‌تواند معتبر باشد.

من در ایران گرفتاریهای زیادی دارم که باید انجام دهم و بایستی از شورای امنیت اجازه مرخصی بگیرم و تقاضا داشتم که شورا با توجه به حق و عدالت تصمیم خود را بگیرد.

اطمینان کامل دارم که شما به احساسات ملل کوچک که به آنها تعدی شده احترام می‌کنید و ملت ایران اطمینان کامل دارد که شورای امنیت در خصوص شکایت دولت انگلیس هیچ‌گونه اقدامی که مانع تحقق منویات ملی آنها گردد به عمل نخواهد آورد. من به شما اطمینان می‌دهم که ملت ایران سر قول خود ایستاده است. مردم ایران عدالت می‌خواهند و آن‌ها کاری که خلاف عدالت باشد نخواهند کرد.

در این جا آقای دکتر مصدق بیانات خود را تمام کرده و در حالی که بسیار خسته به نظر می‌رسیدند در جای خود قرار گرفتند.

۱. روز ۱۳۳۰/۷/۲۲ (۵ اکتبر ۱۹۵۱)

۲. بیانات آقای دکتر مصدق در دومین جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد، (۱۳۳۰/۷/۲۳)

۳. بیانات آقای دکتر مصدق در شورای امنیت ۱۳۳۰/۸/۱

۴. چهارشنبه ۱۳۳۰/۸/۱

ماخذ: کتاب مصدق و حاکمیت ملت، پدید آورنده محمد بسته نگار به نقل از مندرجات روزنامه اطلاعات از شماره ۷۶۴۴ مورخ ۱۳۳۰/۷/۲۳ تا شماره ۷۶۹۰ مورخ ۱۳۳۰/۸/۱۵ (صفحات ۵۷۳ - ۵۳۰)، تهران ۱۳۸۱